اولویت‌های سیاست آمریکا در قرن ۲۱

پایگاه نظامی یا حقوق بشر

الکساندر کولی
ترجمه: محمدحسین باقی

از لحاظ تاریخی، ایالات متحده موفقیت اندکی در تاثیرگذاری بر پایگاه‌های خارجی‌اش در کشورهای میزبان جهت ارتقای ارزش‌های دموکراتیک داشته است. بعد از جنگ جهانی دوم، واشینگتن پایگاه‌هایی در دولت‌های دموکراتیک و غیردموکراتیک که در برابر نفوذ شوروی مقاومت می‌کردند بنا کرد. مقامات آمریکایی مصراً از برنامه‌ها و تعاملاتشان با کشورهای غیردموکراتیک با این استدلال دفاع می‌کردند که این تعامل به تدریج منجر به دموکراتیک شدن آنها می‌شود. اما ایالات متحده با دخیل کردن دیکتاتورها در این فرآیند موفقیت اندکی به دست آورد که البته باعث لطمه به حیثیت خود شد. الکساندر کولی استادیار علوم سیاسی در دانشکده Barnard - دانشگاه کلمبیا و نویسنده کتاب «منطق سلسله مراتب: تشکیلات امپراتوری‌ها، دولت‌ها و اشغالگری‌های نظامی» معتقد است هر چه که دموکراسی‌ها به طور روزافزونی قوی‌تر و مستقرتر می‌شوند، می‌توانند به گونه‌ای اعتمادآمیزتر به تعهدات خارجی‌شان متعهد و پایبند بمانند. به گمان او در بلندمدت، دموکراسی‌ها میزبانان باثبات و پیش‌بینی‌پذیری برای پایگاه‌های ایالات متحده هستند تا دولت‌های اقتدارگرا.

بخش اول

ماه جولای سال گذشته، حکومت ازبکستان پرسنل آمریکایی در پایگاه هوایی «کارشی - خان‌آباد» (Karshi-khanabad) را وادار به تخلیه و ترک آنجا کرد، پایگاهی که واشینگتن از اواخر سال ۲۰۰۱ از آن به عنوان محل مناسبی برای نبرد، شناسایی، ماموریت‌ها و اقدامات بشردوستانه در افغانستان استفاده می‌کرد. حکومت تاشکند هیچ دلیل رسمی‌ای برای این اخراج ارائه نداد، اما به نظر می‌آید که این عمل نتیجه دستوری است که بلافاصله پس از آنکه سازمان ملل ۴۳۹ آواره ازبک را با هواپیما از قزاقستان به رومانی منتقل کرد عملی شد - حرکتی که با حمایت واشینگتن و مخالفت تاشکند مواجه شد. (حکومت ازبکستان خواستار بازگرداندن آوارگان ازبک به موطن خود بود اما جامعه بین‌الملل از ترس شکنجه و زندانی کردن آنان توسط نیروهای امنیتی ازبک، با آن مخالفت کرد.) این حوادث نشانگر مشکلات پایداری بود که مقامات دفاعی ایالات متحده هنگامی که سعی در ارتقای ارزش‌های دموکراتیک در خارج دارند و در زمانی که در پی حفظ پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای غیردموکراتیک هستند، با آن مواجهند. هر چند برخی در واشینگتن این فشار و نگرانی را می‌پذیرند اما در مجموع استدلالشان این است که مزایای استراتژیک وجود پایگاه‌های استراتژیک در صحنه‌های نزدیک به نبرد مثل افغانستان از هزینه‌های سیاسی حمایت از رژیم‌های ناخلف میزبان مهمتر و باارزش‌تر است. اکنون پنتاگون علاوه بر پافشاری مقاماتش بر اهمیت توسعه شبکه عظیمی از پایگاه‌های ایالات متحده برای مواجهه با تروریسم فرامرزی و سایر تهدیدات منطقه‌ای به دنبال بازتعریف نقش نظامی آمریکا در قرن ۲۱ است. برخی از آنها اعتراضات منتقدین دفاع از دموکراسی را رد می‌کنند. آنها مدعی‌اند که حضور نظامی آمریکا در کشورهای سرکوبگر، تاثیرگذاری مضاعفی به ایالات متحده برای فشار به آنها جهت آزادسازی می‌بخشد و استدلال می‌کنند که اتکا بر کشورهای دموکراتیک برای همکاری نظامی نیز مشکلات خاص خود را دارد مثل رای پارلمان ترکیه در سال ۲۰۰۳ مبنی بر عدم اجازه به آمریکایی‌ها جهت استفاده از خاک این کشور در حمله به عراق. چنین بحث‌ها و استدلالاتی ارزشمند هستند، اما بیانگر همه ماجرا نیست. در مواقعی، دشواری‌های سیاسی که گاهی مربوط به چگونگی تعامل با دموکراسی‌ها است، کوتاه‌مدت هستند. در مواقعی دیگر، ایجاد پایگاه‌هایی در کشورهای غیردموکراتیک عمدتاً مزایای کوتاه‌مدتی دربردارد که به ندرت به ارتقای لیبرالیزاسیون یا آزادسازی در این کشورها کمک می‌کند و حتی گاهی امنیت ایالات متحده را به خطر می‌اندازد. همکاری با رهبران اقتدارگرا به واسطه تعاملات چشمگیر نظامی با آنها کارکرد اندکی برای دموکراتیزاسیون در آن دولت‌ها داشته است زیرا این رهبران می‌دانند که اساساً تصمیم‌گیرندگان نظامی ایالات متحده بیشتر به فکر تجهیزات داخل پایگاه‌ها هستند تا گرایش‌های سیاسی داخلی. این کار همچنین می‌تواند منافع استراتژیک ایالات متحده را به خطر اندازد. حتی زمانی که رهبران اقتدارگرا فراخوانی آمریکا برای آزادسازی [لیبرالیزاسیون] را نادیده می‌انگارند، برای تقویت موقعیت شخصی‌شان در داخل، به توافقات نظامی دست می‌یازند و گاهی که یکی از این یکه‌سالاران سرانجام با زور کنار زده می‌شود، جانشینان دموکراتشان گاهی اعتبار طرح‌های رژیم‌های پیشین را به چالش می‌کشند. توافقات نظامی ایجاد شده با دموکراسی‌های بالغ، خطرات بسیار کمتری دربردارد. این طرح‌ها هیچ هزینه‌ای برای مشروعیت ایالات متحده ندارد و زمانی که آن رژیم‌ها تعهدات را می‌پذیرند و به وسیله نهادهای دموکراتیکی که برای دوامشان ایجاد می‌شود اعتبار می‌یابند بر این می‌گردند که قابل اعتمادتر به نظر آیند. هنگامی که تصمیم‌گیرندگان نظامی ایالات متحده شبکه جهانی کوچکتر و تسهیلات نظامی چندکاره در خارج را طراحی می‌کنند به تجدیدنظر می‌پردازند که آیا مزایای محدود ایجاد پایگاه در کشورهای غیردموکراتیک ارزش این همه هزینه را دارد.

پایگاه نظامی آمریکا در عراق

■ تعامل با شیاطین

سه توافق نظامی - با اسپانیا، پرتغال و فیلیپین - را در نظر گیرید که در دهه‌های مختلف و به وسیله دولت‌های آمریکایی با گرایشات مختلف ایدئولوژیک منعقد شد. در سال ۱۹۵۳ دولت آیزنهاور توافق دفاعی دوجانبه‌ای را با اسپانیای تحت حکومت ژنرال دیکتاتور «فرانسیسکو فرانکو» منعقد کرد. این توافقنامه اجازه استفاده شبکه‌ای از پایگاه‌های هوایی، ایستگاه‌های دریایی، خطوط لوله و تسهیلات ارتباطی اسپانیا را در عوض یک کمک ۲۲۶ میلیون دلاری نظامی - اقتصادی به ایالات متحده اعطا کرد. این اقدام آمریکا بلافاصله مورد انتقاد خود آمریکایی‌ها و متحدینشان در اروپا قرار گرفت به این دلیل که ایالات متحده با این کار خود مشروعیت و حمایت مادی به فرانکو می‌بخشید در حالی که دولت‌های دیگر سعی در منزوی کردن این رژیم از نهادهای بین‌المللی مثل سازمان ملل و ناتو داشتند. مقامات ایالات متحده مدت‌ها اصرار می‌ورزیدند که حضور نظامی آمریکا در اسپانیا به معنای حمایت رسمی از رژیم فرانکو نیست. اما سیاستمداران اسپانیایی که بعد از فرانکو در سال ۱۹۷۵ جانشین او شدند، واشینگتن را متهم به تحمل تلویحی سیاست‌های سرکوبگرانه و سری او [فرانکو] می‌کردند. دهه ۱۹۶۰ حتی دولت ایده‌آلیستی «کندی» موضعش در مورد اعطای استقلال به مستعمرات در سراسر آفریقا را ملایم‌تر کرد. همین باعث شد که نخست‌وزیر پرتغال «آنتونیو دی الیور سالازار» تهدید به [محدود کردن] دسترسی آمریکا به پایگاه‌های مهمش در «آزروس» (جزایر پرتغال در وسط اقیانوس اطلس) کند. لیسبون نگران درخواست حق حاکمیت در مستعمرات آفریقایی‌اش مثل آنگولا و موزامبیک بود. سالازار اقدامات ضدشورشی در آنگولا را یک موضوع مربوط به سیاست داخلی خود دانست و دخالت طرف سوم در این موضوع را به مثابه اقدام علیه سیاست داخلی خود می‌انگاشت و هنگامی که واشینگتن در سال ۱۹۶۱ از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل برای اصلاحات و تحقیق سازمان ملل حمایت و جانبداری کرد، سالازار به شدت عصبانی شد. کاخ سفید تحت فشارهای روزافزون از جانب پنتاگون - که مایل نبود تسهیلات خود در وسط اقیانوس را از دست بدهد - موقعیت خویش را در اوایل سال ۱۹۶۲ تغییر داد. اما حکومت پرتغال وضعیت پایگاه‌ها را در «آبیانس» در سراسر دهه ۱۹۶۰ برای حفظ تاثیرگذاری و نفوذش بر واشینگتن حفظ کرد. این الگو در جاهای دیگر در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ تکرار شد، شاید نمود عینی آن در فیلیپین تحت حاکمیت رهبر دیکتاتور فردیناند مارکوس بود. حضور دو پایگاه نظامی مهم آمریکا در فیلیپین - پایگاه هوایی کلارک و پایگاه دریایی سابیک بی - نارضایتی ایالات متحده از مارکوس را همچنان ادامه می‌داد. حتی دولت کارتر با وجود عزم راسخ برای ارتقای حقوق بشر در سایر کشورها، هنگامی که زمان تجدید توافق نظامی در سال ۱۹۷۹ فرا رسید، نگرش خود را نرم‌تر کرد. هنگامی که مارکوس خواهان کمک مالی و نظامی بیشتر ایالات متحده شد، واشینگتن پذیرفت که به طور موثری به حمایت و کمک به این دیکتاتور و دوستان نزدیکش - تا زمان حذف آنها در سال ۱۹۸۶ - بپردازد. در تمام این موارد درگیری و گرفتاری‌های ایالات متحده باعث ارتقای اندک اصلاحات سیاسی واقعی شد زیرا حکومت‌های میزبان به درستی محاسبه کرده بودند که واشینگتن بیش از آن که نگران آزادسازی سیاسی باشد، نگران پایگاه‌های خود است. در همین زمان ایالات متحده با نادیده‌انگاری‌های مکرر در مورد تخلف از اصول دموکراتیک صرفاً برای حفظ پایگاه‌هایش، متهم به فرصت‌طلبی و دروغگویی شد. در سراسر جنگ سرد، پراگماتیست‌ها در کاخ سفید به جای پاسخگویی به اتهامات به کنترل اهداف استراتژیک اشاره می‌کردند، یعنی شکست اتحاد جماهیر شوروی. اما اکنون که جنگ علیه تروریسم جایگزین جنگ علیه کمونیسم شده هزینه‌های چنین چانه‌زنی‌ای بسیار بیشتر است.

■ سیستم ناامن

اگر اولین مشکل در احداث پایگاه در سرزمین‌های غیردموکراتیک این است که انجام چنین کاری دخالت در فرآیند دموکراتیزاسیون داخلی است، دومین مشکل این است که هزینه‌های استراتژیک جدی برای ایالات متحده به بار می‌آورد.

اول، حمایت ایالات متحده از حکومت‌های اقتدارگرا گونه‌ای از مخالفت یا رادیکالیسم را به وجود می‌آورد که می‌توان ریشه آن را به طور غیرمستقیم در پایگاه‌های ایالات متحده یافت. توافقات نظامی فرصت‌های تبلیغاتی را برای گروه‌های اپوزیسیون قانونی و افراط‌گرایان فراهم می‌آورد. و حضور پایگاه آمریکا در یک کشور غیردموکراتیک می‌تواند شکل‌گیری بنیادگرایانی را موجب شود که متوقف ساختن آنها دشوار می‌نماید. مثلاً مورد عربستان سعودی را در نظر بگیرید: حمله تروریستی سال ۱۹۹۶ به برج‌های الخبر، جایی که سربازان آمریکایی در آن سکنی گزیده بودند، بنیادگرایان اسلامی را به فراخوانی جهت عقب‌نشینی کامل نیروهای آمریکایی از شبه‌جزیره عربستان تشویق کرد. این حمله نه تنها نگرانی‌های امنیتی واشینگتن را افزایش داد بلکه حکومت سعودی را به این جمع‌بندی رساند که حضور نظامی آمریکا تهدید سیاسی داخلی است. در نهایت در سال ۲۰۰۳ واشینگتن مجبور به عقب کشیدن ۵ هزار نفر از سربازانش از عربستان سعودی شد. دوم، رژیم‌های غیردموکراتیک ذاتاً میزبانانی غیرقابل اعتماد هستند. گاهی تصور می‌شود که توافق با دیکتاتورها، تداوم طرح‌ها و برنامه‌ها را تضمین می‌کند زیرا چنین رژیم‌هایی کنترل افکار عمومی را به دست داشته و در مقابل دگرگونی افکار عمومی آسیب‌پذیری کمتری دارند. اما بسیاری از دانشمندان سیاسی هم معتقدند که انجام و اجرای تعهدات بدون محدودیت‌های قانونی، بدون یک هیات منصفه مستقل و هیات قانونگذاری منتخب واقعاً تخلف از قوانین - مثل توافق در مورد ایجاد پایگاه نظامی - برای رژیم‌های اقتدارگرا را تسهیل‌تر می‌سازد. تداوم و بقای توافقات با یک دولت اقتدارگرا تا زمانی است که رژیم حاکم وجود دارد چرا که وضعیت و ماهیت چنین قراردادهایی به شانس دوام رژیم بستگی دارد تا به چارچوب نهادین پایدار. در گذشته، ایالات متحده زمانی از کشوری اخراج می‌شد که متحدین خودکامه‌اش خود از درون متلاشی و ساقط می‌شدند: به طور مثال، واشینگتن زمانی دسترسی به پایگاه هوایی ویلوس در لیبی را از دست داد که در سال ۱۹۶۹ سرهنگ معمر قذافی قدرت را به دست گرفت، همین‌طور در مورد ایران هم پست‌های شنیداری الکترونیکی را که در شمال ایران در دوره محمدرضا پهلوی - که رژیمش در سال ۱۹۷۹ فرو پاشید - نصب کرده بود از دست داد. حتی زمانی که حکومت‌های اقتدارگرا به توافقات نظامی احترام گذارند می‌توانند واژگان را به طور یک‌جانبه و ناگهانی تغییر دهند به این دلیل که بهتر به اهداف داخلی‌شان جامه عمل بپوشانند یا اینکه امتیازات مادی از واشینگتن بگیرند. سوم، زمانی که حکومت‌های دموکراتیک سرانجام قدرت را در رژیم‌های اقتدارگرا به‌دست می‌گیرند، پایگاه‌های ایالات متحده در آنجا به اشکال مختلف تندروی آسیب‌پذیر می‌شدند. برای مثال، در انتخابات اقتدارگرایان پیشین در تایلند (۱۹۷۵)، یونان (۱۹۸۱) و کره جنوبی (در سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۲) رهبران اپوزیسیون عمدتاً با حمله به حضور نظامی آمریکا - که به وضوح حضور پایگاه‌های ایالات متحده را به حمایت واشینگتن از رژیم‌های غیردموکراتیک پیشین در آن کشورها ارتباط می‌دادند - قدرت را به دست می‌گرفتند. همچنین گاهی گروه‌های مدنی و وسایل ارتباط جمعی در یک دولت، که توافقات نظامی امضا شده با حکومت‌های اقتدارگرا را به مثابه نمادی از سوءاستفاده‌های رژیم‌های پیشین تلقی می‌کردند، یک گذار دموکراتیک را تجربه می‌کنند. بدتر اینکه - در برخی موارد - حکومت‌های دموکراتیک جدید اعتبار توافقات نظامی پیشین را به چالش می‌کشند که این علاوه بر محدودیت سفت و سخت برای حقوق آمریکایی‌ها منجر به اخراج آنان نیز می‌شود. در اواخر دهه ۱۹۸۰ حزب سوسیالیست اسپانیا (که به عنوان PSOE هم شناخته می‌شود) بسط توافق نظامی با ایالات متحده برای دسترسی این کشور به پایگاه هوایی «تروژان» نزدیک مادرید را رد کرد و در سال ۱۹۹۱ سناتور جدید فیلیپینی که پس از مارکوس قدرت یافته بود طرح بسط دسترسی آمریکا به «سابیک بی» را رد کرد و به حضور طولانی‌مدت نظامی آمریکا در آنجا خاتمه داد. در این موارد و موارد دیگر نارضایتی داخلی علیه حضور پایگاه نظامی آمریکا، هزینه‌های عملیاتی چشمگیری به نظامیان آمریکا تحمیل کرد. این انواع هزینه‌های استراتژیک همه مربوط به دشواری‌های سیاسی هستند که از عقد توافقات با رژیم‌های غیردموکراتیک حاصل می‌شود. هر چند مقامات آمریکایی غالباً معتقدند که ایالات متحده به ناحق متهم به حمایت دوستان [میزبانان] اقتدارگرایش می‌شود. این تصورات در کشورهایی که آمریکا در آنجا حضور دارد متداول می‌شود. از یک چشم‌انداز عملی، جدا کردن نیازهای نظامی عملیاتی از متن سیاسی داخلی دشوار است. از سوی دیگر، در دموکراسی‌های قوی، حکومت‌ها به تعهداتشان برای توافقات نظامی احترام می‌گذارند زیرا آن طرح‌ها و توافقات به واسطه نظم قانونی مستقر تضمین می‌شود. هر چند که حکومت نخست‌وزیر «خوسه لوئیس رودریگس ساپاته‌رو» پس از برگزیده شدن در انتخابات مارس ۲۰۰۴ اسپانیا، سربازان اسپانیایی را از عراق عقب کشید اما همچنان به توافقات پیشین احترام می‌گذارد و همین امر به ایالات متحده اجازه استفاده نامحدود از پایگاه دریایی در «روتا» و پایگاه هوایی در «مورون» [در خاک اسپانیا] در حمایت از اقدامات علیه عراق را می‌دهد. این موضوع در مورد سایر متحدین دموکراتیک‌مان که میزبان پایگاه‌های ما هستند - مثل آلمان و یونان - نیز صدق می‌کند که هر چند با حمله به عراق مخالفت کردند اما هنوز به ما در استفاده از پایگاه‌های جنگی‌مان در خاکشان اجازه می‌دهند.

منبع: **Foreign Affairs**

نگاه کارشناس

هویت ملی و مهاجران

گری ام. سگورا
ترجمه: حسین اصفهانی

در ۲ فوریه ۲۰۰۵، «مل مارتینز» سناتور تازه منتخب فلوریدا و مدیر پیشین توسعه شهری و مسکن که مهاجری کوبایی - آمریکایی است، «سنت ۲۱۶ ساله سناتورهای آمریکایی را به هم ریخت... هنگامی که در مراسم سخنرانی‌اش در طبقه اول، سه جمله به زبان اسپانیایی بیان کرد». این حادثه برای اولین‌بار زبانی غیر از انگلیسی را نشان می‌دهد که در سابقه کنگره وارد شد. او این کار را در حمایت از نامزدی آلبرتو گونزالس مکزیکی - آمریکایی جهت پست دادستانی کل انجام داد. اظهارات شفاهی مارتینز خطاب به مهاجرینی بود که بنابه اظهار او برای کسب زندگی بهتر به آمریکا آمده بودند. او گونزالس را به عنوان «uno de nosotros» یا «یکی از ما» توصیف می‌کند. این حادثه آشکارا به دلیل کاربرد زبانی غیر از انگلیسی آن هم در طبقه اول مجلس سنای آمریکا مهم است. اول، استفاده مارتینز از زبان اسپانیایی جدیدترین نمونه از آسایش و امنیت روزافزون در میان انواع گروه‌های سیاسی و بخش‌های جامعه آمریکا را با استفاده از زبان اسپانیایی در انظار عمومی و محیط‌های اداری و رسمی نشان می‌دهد. حتی خود پرزیدنت بوش هم متن مصاحبه رادیویی هفته‌ای خود را به اسپانیایی ارائه داد که خود نمونه‌ای از به هم ریختن چنین سنتی است. دوم، بیان آشکار هویت اجتماعی - nostros یا «یکی از ما» - برای آقای گونزالس که یک مکزیکی / آمریکایی است، سربرآوردن تدریجی و نمادین هویت پان - قومی در میان لاتینی‌ها و در بین خیل عظیمی از گروه‌های اصیل ملی است. سرانجام آنچه که شاید چشمگیر می‌نماید این است که هم گوینده و هم موضوع سخنرانی دربرگیرنده حق گروه‌بندی سیاسی آمریکایی‌هاست. این حادثه کاملاً تصویر کننده شرایطی است که در جدیدترین کتاب ساموئل هانتینگتون «ما که هستیم؟» توصیف و به انتقاد کشیده شده است. هانتینگتون در جدیدترین تلاش خود، بحثی را با توجه به ماهیت و منشاء هویت ملی آمریکایی‌ها مطرح می‌کند. بنابه نقل او، آمریکا جامعه‌ای آنگلو - پروتستانی است - حداقل از بعد فرهنگی - و همانا ارزش‌ها و سنت‌های این فرهنگ است که به طور منحصر به فردی زمینه‌ساز شهرت و اهمیت آمریکایی‌ها است. اما استدلال او این است که این هویت به وسیله مهاجرت گسترده از آمریکای لاتین - و به ویژه مکزیک - که باعث متمایز شدن سه دهه گذشته شده جداً در معرض تهدید قرار گرفته است. به بیان او، مهاجرین لاتینی در جنبه‌های چشمگیر این فرهنگ آنگلو - پروتستانی سهیم نبوده و برخلاف نسل‌های مهاجرین پیش از آنها، به نظر در کسب آن فرهنگ بی‌علاقه می‌آیند. ادعاهای جدید استدلال هانتینگتون در واقع کاملاً آشنا به نظر می‌آید. عناصر این دلایل فکری در خطوط فکری گسترده‌تری می‌تواند یافت شود که از آن میان می‌توان به این آثار اشاره کرد: کتاب «آمریکای نامتحد» اثر آرتور شلزینگر، کتاب «آمریکایی‌های مکزیکی: اقلیت نامنسجم» اثر پیتر اسکری، کتاب «ما اکنون همگی چندفرهنگی هستیم» اثر ناتان گلیزر، کتاب «مرگ غرب» اثر پاتریک بوچانان. قطعاً نکات متفاوت و مهمی در این کتاب‌ها وجود دارد که هر یک ازآنها را از آثار هانتینگتون و سایر کارها متمایز می‌سازد اما هر یک نیز یک یا چند جنبه از نگرانی و خشم ملی را بازتاب می‌دهد که به لحاظ تاریخی به وسیله مسائل دوگانه «مهاجرت» و «ادغام» ایجاد شده است. این استدلال‌ها و واهمه‌ها در نظرات صریح «تام تانکردو» (نماینده ایالت کلرادو) حالتی سیاسی می‌یابند: تصویب طرح‌های ضدمهاجرت در کالیفرنیا و آریزونا، قوانین و طرح‌های صرفاً انگلیسی در برخی ایالات، همچنین حمایت عمومی از گروه‌هایی مثل انگلیسی‌های آمریکایی تبار، فدراسیون برای اصلاح مهاجرت آمریکایی‌ها. البته تجربه آمریکایی کاملاً منحصر به فرد نیست. بحث‌های مجادله‌انگیز در مورد مهاجرت - که گاهگاهی با خشونت همراه بود - در بخش‌های مختلفی از کانادا، اتحادیه اروپا، استرالیا، اسرائیل و جاهای دیگر هم سر برآورده است. اینکه مهاجرت تغییراتی در قوانین پناهندگی و ملیت در آلمان را می‌طلبد یا نه، ممنوعیت حجاب برای دختران مدرسه‌ای مسلمان در فرانسه، یا شورش در میان جمعیت مناطق (کوتا و ملیلا) در آفریقای شمالی تحت محاصره اسپانیا به واسطه آفریقایی‌هایی که درصدد مهاجرت به اروپا هستند، جنبش فرهنگی، نژادی، مذهبی مردمان متمایز در سراسر مرزهای بین‌المللی و تاثیر اینها بر شخصیت ملی و هویت جامعه‌ای که در آن می‌زیند، همچنان موضوع کشمکش‌های دائمی سیاسی است. به علاوه، تناسب نسبتاً ضعیف جهانی میان مرزهای بین‌المللی و جمعیت‌های متجانس فرهنگی مکرراً پرسش‌هایی را پیرامون توانایی فرهنگی - زبانی جمعیت‌های متجانس برای یکی شدن با یکدیگر همچون یکی شدن در سیاست‌هایی کارکردی و موفقیت‌آمیز برانگیخته است.

منبع: **فصلنامه علوم سیاسی**

گروه مالی سامان

اطلاعیه

احتراماً به اطلاع هموطنان محترم می‌رساند شرکت‌های تابعه گروه مالی سامان به شرح زیر می‌باشند.

بانک سامان
تهران، خیابان میرداماد، روبروی مسجدالغدیر، شماره ۱۱۸
تلفن: ۱۰-۱-۲۲۹۰۲ فاکس: ۲۲۲۶۲۵۴۲

بیمه سامان
تهران، خیابان خالد اسلامبولی (وزراء)، شماره ۱۱۳
تلفن: ۲۰۵-۸۸۷ فاکس: ۸۸۷۰۲۰۴

شرکت کارگزاری بانک سامان
تهران، خیابان آفریقا، پایین‌تر از چهارراه جهان کودک ساختمان شماره ۲۹، طبقه ۷، واحد C۷
تلفن: ۷۱-۸۸۷۷۴۶۶۹ فاکس: ۸۸۷۷۴۶۸۹

شرکت سرمایه‌گذاری بانک سامان
تهران، خیابان آفریقا، پایین‌تر از چهارراه جهان کودک ساختمان شماره ۲۹، طبقه ۲، واحد C۲
تلفن: ۸۸۷۹۰۸۲، ۸۸۷۹۰۸۲۱ فاکس: ۸۸۷۹۸۷۳۴

صرافی سامان
تهران، خیابان انقلاب، نرسیده به چهارراه کالج نبش کوچه البرز، پلاک ۸۱۵، کدپستی ۱۵۹۱۶
تلفن: ۶-۶۶۴۶۹۷۲۰، ۶۶۴۹۶۹۲۵-۶ ۶۶۴۰۵۸۹۹ فاکس: ۶۶۴۰۷۴۸۹

شرکت پرداخت الکترونیک سامان
تهران، خیابان انقلاب، چهارراه کالج، کوچه البرز، پلاک ۱۱
تلفن: ۴-۶۶۹۶۱۹۲۰ فاکس: ۶۶۹۶۱۹۲۵

شرکت کیش وبر
تهران، خیابان آفریقا، کوچه نور، پلاک ۱۱، طبقه ۵
تلفکس: ۸۸۷۸۴۲۸۸

شرکت گروه ارتباطات ماهواره‌ای سامان
تهران، خیابان فلسطین جنوبی بین خیابان بزرگمهر و انقلاب، کوی پرستو، پلاک ۹۹، واحد ۱
تلفن: ۶۶۹۵۱۷۰۵ فاکس: ۶۶۹۵۱۷۰۲

شرکت خدمات کارت ایران خودرو
تهران، شهرک غرب، بلوار فرحزادی، خیابان زرافشان غربی، طبقه ۸، سازمان فروش و خدمات پس از فروش ایران‌خودرو
تلفن: ۸۴۸۴۳۸۲۲

www.sb24.com

UNDP

Job Vacancy
UNDP wishes to recruit
"Professional Staff" and "Finance / Admin Assistant"
for the center for Disease Control-Ministry of Health
Please refer to the following website for details and apply on-line:
http://jobs.un.org.ir
or send your CV to the Global Fund HIV/AIDS Project
Fax: 22869547
Deadline: July 11, 2006

بسمه تعالی

مرکز پزشکی خاص مفتخر است تسهیلات و یژه‌ای جهت مبتلایان بیماریهای خاص فراهم و نسبت به درمان و تامین داروی نیازمندان اقدام شایسته به عمل آورده تا رنج گرانی و کمبود دارو افزون بر رنج بیماری نگردد.

شماره حساب ۳۴۳۴ بانک ملی ایران شعبه اسکان
تلفن: ۲۲۸۷۳۲۰۳-۲۲۸۶۲۰۰۰-۲۲۸۶۳۰۰۰

صندوقهای بنیاد در بیمارستان‌ها و مترو منتظر یاری رساندن شما عزیزان می‌باشد. شما نیز می‌توانید در رشد و شکوفایی خدمت به این عزیزان ما را یاری نمایید.

دفتر مشارکتهای مردمی